

مبانی سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن

ایران اسدی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲

چکیده

تحقیق و حاصل کار پژوهشی حاضر دو مبحث مهم می‌باشد: یکی اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن و دیگری اهداف سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن. در بحث اول اصول سیاست خارجی شامل اصل توحید، اصل نفی سبیل، اصل حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و اصل احترام متقابل بین المللی و نهایتاً اصل وفای به عهد می‌باشند که به وسیله مصداق‌های قرآنی مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد. بحث دوم اهداف سیاست خارجی از دیدگاه قرآن در شش هدف ذیل خلاصه می‌گردد: ۱. ایجاد حکومت واحد اسلامی در جهان. ۲. ایجاد عدالت اجتماعی. ۳. سعادت بشریت. ۴. توسعه ارزش‌ها و آیین اسلام. ۵. حفظ صلح و امنیت بین المللی. ۶. ظلم ستیزی و منع جنگ و تجاوز. این نوشتار سعی دارد سیاست خارجی حکومت اسلامی را از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار دهد تا در پرتو آن دولت‌های اسلامی روابط خارجی خود را تنظیم نمایند.

کلیدواژگان: حکومت اسلامی، سیاست خارجی، آیات قرآن کریم.

مقدمه

قبل از ورود به بحث اصلی در ابتدا به تعریف سیاست و سیاست خارجی پرداخته می‌شود؛ سیاست در لغت یعنی فن کشورداری؛ و در اصطلاح برای سیاست در علوم سیاسی تعریف‌ها و تعبیرهای گوناگون صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- سیاست یعنی «ایجاد عدالت اجتماعی و برقراری قانون به منظور مبارزه با عقب‌ماندگی»

- سیاست یعنی «سازگاری و توافق گروه‌های مختلف»

- سیاست یعنی «هنر استفاده از امکانات» و غیره...

و منظور از سیاست خارجی در اسلام فعالیت‌هایی است که حضرت محمد(ص) به عنوان رئیس حکومت و نمایندگان و منتخب ایشان در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و همچنین پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولت‌های غیر مسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام می‌داده است (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۷). حکومت اسلامی با رسالت پیامبر(ص) آغاز شد و بعد از هجرت آن حضرت به فعلیت رسید. چارچوب حکومت اسلامی را خداوند از طریق قرآن و نزول وحی برای آن حضرت مشخص نمود. حکومت خط و مشی اداره جامعه می‌باشد که ابعاد متعددی دارد یکی از ابعاد مهم حکومت اداره روابط خارجی یک جامعه یا دولت یا کشور می‌باشد که همان سیاست خارجی آن می‌باشد، به معنای هدف‌ها و خط مشی‌های یک دولت یا حکومت برای رسیدن به اهداف خود در روابط خارجی با دیگر دولت‌ها یا حکومت‌ها می‌باشد. مبنای حکومت اسلامی را باید در قرآن جست که هم‌زمان با ایجاد آن نازل شد سیاست خارجی نیز یکی از ابعاد مهم حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن نادیده گرفته شده، و در راستای اجرای آن از سوی پیامبر برای برخورد با مشرکان، یهودیان، امپراطور روم، امپراطور ایران و... خط مشی‌هایی ارائه گردیده که امروزه از سوی دولت‌مردان باید مورد توجه و الگو قرار گیرد. مباحث قرآن مجید به عنوان تنها کتاب آسمانی مسلمانان مباحث اساسی و مبنایی می‌باشند؛ لذا مبنای سیاست خارجی

حکومت اسلامی را از دیدگاه قرآن باید مد نظر قرار داد تا بتوان به نتایج کاربردی مهمی رسید که امروزه راه‌گشای دولت‌مردان باشد.

پیشینه تحقیق

در مورد سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم مطالعات زیادی انجام گرفته است. پژوهشگران در رشته‌های متفاوت مانند فقه و الهیات، تاریخ اسلام، علوم اسلامی در این راستا مطالعات زیادی دارند برای مثال *عبدالقیوم سجادی* در مقاله‌های متعددی از جمله «اصول سیاست خارجی در قرآن» این موضوع را مورد تحلیل قرار داده است و در مقاله دیگری تحت عنوان «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام» به مبانی رفتاری سیاست خارجی اسلامی پرداخته است. *محمی‌الدین عبدالمجید* در مقاله‌ای با همین عنوان یعنی «اصول سیاست خارجی در قرآن کریم» سعی کرده است در چارچوب ارتباط دین و سیاست به این مسأله نگاه کند و با تقسیم‌بندی سیاست خارجی به دو بخش اصول ثابت و پایدار سیاست خارجی اسلامی، شرایط زمانی را مؤثر در تغییر برخی سیاست‌ها از دیدگاه اسلام بداند. *اسماعیل سلطانی* در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط خارجی دولت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم» در این مقاله به بیان چهار نظریه جنگ، صلح، دعوت و برچیده شدن حاکمیت کفر به عنوان اصول اولی در روابط خارجی دولت اسلامی پرداخته است. اما آنچه در این پژوهش سعی شده بر آن تمرکز شود مصداق‌های قرآنی است، که در مورد اصول و مبناهای سیاست خارجی حکومت اسلامی وجود دارد، به صورت موردی، مورد تحلیل قرار گرفته است.

سؤال پژوهش

قرآن کریم سیاست خارجی حکومت اسلامی را بر چه اصولی مبتنی می‌داند؟

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد قرآن کریم مبناهای اصلی حکومت اسلامی را اصول توحید، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، نفی سبیل، احترام متقابل و وفای به عهد می‌داند.

جایگاه حکومت اسلامی در فقه اسلامی

در فقه سیاسی علاوه بر قرآن کریم که حاوی احکام ثابت حکومتی است منبع دیگری وجود دارد که حقوقدانان از آن به احکام حکومتی تعبیر می‌کنند که شامل فرامین و دستورات پیامبر(ص) و امام علی(ع) و زمامدار دارای مشروعیت اسلامی است. زمامدار اسلامی در چارچوب قوانین شریعت معتبرند با این تفاوت که احکام الهی موجود در قرآن ثابت و غیرقابل تغییراند، اما احکام حکومتی قابل تغییر هستند و ثبات آنها تابع مصلحتی است که آنها را پدید آورده است. از آنجا که مصلحت جامعه اسلامی متغیر است این دسته از قوانین نیز به تبعیت از مصلحت جامعه اسلامی تحول یافته و جای خود را به احکام بهتری می‌دهند سپس فرامین رهبر جامعه اسلامی یکی از مقررات سیاسی نظام اسلامی است. اما این احکام حکومتی احکام اولیه است و یا در زمره احکام ثانویه میان فقها اختلاف نظر است.

قوانین در اسلام دو دسته‌اند، نخست احکام ثابت الهی که متن شریعت است و در قرآن کریم آورده شده است این احکام بر اساس فطرت انسانی از طریق وحی مقرر شده و برای همیشه ثابت و غیرقابل نسخ و تغییر است، دسته دوم مقرراتی است که امام مسلمین در چارچوب احکام ثابت شریعت بنا بر مصلحت اسلام و امت در زمینه مسائل و ارتباطات و موضوعات جدید، مانند امور سیاسی و حکومت، تنظیم روابط اقتصادی، وضع رفت و آمد در شهرها و بین شهرها تهیه و کاربرد تجهیزات جدید و برنامه‌های دفاعی، بهره‌گیری از منابع و درآمدهای عمومی و نظایر آن وضع کند. احکام متغیر تابع نظر ولی امر و نوع مصلحتی است که آن را ایجاب می‌کند و مادام که مصلحت است لازم الاجرا است و با تغییر مصلحت یا از بین رفتن آن از میان می‌رود و نظر ولی امر نیز بر اساس مصلحت جدید تغییر می‌یابد(عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۳۳۲).

بنابراین حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز، روزه و حج است. حاکم اسلامی می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و... حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک‌جانبه لغو کند، و می‌تواند از هر امری چه عبادی و چه غیرعبادی

که جریان آن مخالف مصالح اسلام است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که فریضه مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی است جلوگیری کند زیرا حفظ اصول حکومت اسلامی که احکام ثابت شریعت می‌باشد مهم است و در رأس تصمیمات حاکم اسلامی قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر این احکام ثابت الهی در ارتباط با سیاست خارجی را در بر می‌گیرد (صحیفه نور، بی تا: ۱۷۰).

اهمیت قرآن کریم

قرآن کریم مهم‌ترین و اصیل‌ترین منبع حکومت اسلام است این کتاب آسمانی معجزه جاوید پیامبر (ص) در طول ۲۳ سال به تدریج به آن حضرت نازل شد و به اعتقاد مسلمانان از تحریف به دور مانده است. الفاظ و معانی و اسلوب آن از سوی خداست و پیامبر اسلام هیچ‌گونه دخالتی در انتخاب آن‌ها نداشته است.

مجموع آیات قرآن ۶۲۳۶ آیه است که بعضی مکی و بعضی مدنی‌اند. مفسران در تشخیص آیات مدنی و مکی از معیارهای این‌چنینی استفاده می‌کردند؛ یکی معیار اشخاص مورد خطاب قرآن و دوم معیار مکان نزول قرآن و سوم زمانی که قرآن نازل شده است. به اجماع مسلمانان، زمان نزول آیات وحی از بعثت پیامبر اسلام تا رحلت آن حضرت است؛ این مقطع زمانی به دو مرحله تقسیم می‌شود؛ مرحله اول از بعثت تا هجرت و مرحله دوم از هجرت تا رحلت، مجموع آیات و سوره‌هایی که در مقطع اول نازل شده است مکی و مجموع آن‌ها در مقطع دوم مدنی هستند (موسوی، ۱۳۸۴: ۸). از مجموع آیات قرآن حدود ۵۰ آیه مربوط به احکام و مقررات عملی و حقوقی است و حدود ۴۰۰ آیه مربوط به سیاست خارجی، احکام، خط مشی و مقررات بین‌المللی است.

دیپلماسی و سیاست خارجی در اسلام

یکی از مباحث مهم سیاست خارجی دیپلماسی و روابط دیپلماتیک می‌باشد. در اسلام دیپلماسی ابلاغ پیام و مذاکره است اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت اسلامی، دیپلماسی پیامبر را معین می‌کرد یعنی رهبری کلی دیپلماسی در عصر پیامبر را شخص پیامبر طبق ضوابط اسلامی انجام می‌داد و متناسب با شرایط

زمانی و خصوصیات طرف مقابل و مقتضیات خاص و عام بوده است. پیامبر اسلام در روابط خود با قبایل، اقوام، ملت‌ها و سران کشورها، مردم را صاحبان اصلی حق برقراری روابط دیپلماتیک می‌دانست. وی این روابط را نه به مفهوم سازش، بلکه وسیله رسیدن به توافق‌های سازنده تلقی می‌کرد و به طور مطلق دیپلماسی و جنگ را جانشین هم نمی‌کرد و هر دو را وسیله لازم برای رسیدن به حقوق مشروع و اهداف عالی انسانی می‌دانست و آن دو شیوه را دو روش در مناسبات انسانی با حفظ همه ارزش‌های والای بشری و در راه مسیر تکاملی انسان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانست. به دلیل انسانی بودن مناسبات در روابط دیپلماتیک اصل آزادی، اختیار، احترام متقابل، حسن نیت و صداقت از جمله اصولی بود که پیامبر اسلام (ص) در برخورد با قبایل، نمایندگی اقوام و زمامدارانی که به نحوی در روابط دیپلماتیک با آنان بود، آن‌ها را اساس مذاکرات و مناسبات قرار داد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۷۳).

پیامبر اسلام در شیوه دیپلماسی خود از اعزام مبلغ و مربی به مناطق دور و نزدیک برای دعوت به اسلام و ابلاغ پیام وحی و اعزام سفرا و نمایندگان نزد قبایل و دولت‌های مجاور و مذاکره با نمایندگان قبایل و گروه‌ها بهره می‌گرفت در دیپلماسی اسلامی، شخص سفیر و نماینده دیپلماتیک اهمیت دارد و به همین دلیل از میان انسان‌های شایسته انتخاب می‌شود. در دیپلماسی اسلامی سفیر هم مقام رسمی دارد و هم می‌تواند غیر رسمی و آزاد، بر اساس اصل دعوت اسلامی انجام وظیفه نماید و هدف نهایی سیاست‌گزاران تقرب به خداوند و تأمین مصالح آن جهانی و این دنیایی بشر مورد نظر است (موسوی، ۱۳۸۴: ۲۷). اهداف سیاست خارجی عمدتاً ناظر به جهت‌گیری استراتژیک و ضرورتی است که نقطه غایی و مطلوب در افعال و رفتار سیاسی است. اموری چون دعوت، جهاد، نفی سبیل، ظلم‌ستیزی شکل‌دهنده قالب کلی رفتار خارجی است که در نهایت دولت اسلامی را به تحصیل سعادت و تأمین آن یاری می‌دهد (سجادی، مجله علوم سیاسی، ۱۳۸۱: ۹۶).

فعالیت‌هایی که حضرت محمد (ص) به عنوان رئیس حکومت و نمایندگان و سفرای منتخب او در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و پاسداری از حقوق و منافع

دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولت‌های غیرمسلمان در خارج از قلمرو و حکومت اسلامی انجام می‌داده‌اند در قرآن کریم تجلی یافته است. اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت اسلامی طبق ضوابط اسلامی انجام می‌پذیرفت و متناسب با شرایط زمانی و خصوصیات طرف مقابل و مقتضیات خاص و عام حاکم بر روابط تعیین می‌شد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۷۲).

خطوط کلی سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن

۱. پای بندی و تعهد به تعهدات و پیمان‌ها:

﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه/۷)

«چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهدی تواند بود مگر با کسانی که کنار مسجد الحرام پیمان بسته‌اید پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند با آنان پایدار باشید زیرا خدا پرهیزگاران را دوست می‌دارد»
﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نحل/۹۱)

«و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود] را [پس از استوار کردن آن‌ها] مشکنید با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید زیرا خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند»
﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء/۳۴)

«و به مال یتیم جز به بهترین وجه نزدیک مشوید تا به رشد برسد و به پیمان [خود] وفا کنید زیرا که از پیمان پرشش خواهد شد».

۲. رعایت امانت و پای بندی به همه تعهدات:

﴿وَلَا تَسْخُدُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلَا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نحل/۹۴)

«و زنه‌ار سوگندهای خود را دستاویز تقلب میان خود قرار مدهید تا گامی بعد از استواری اش بلغزد و شما به [سزای] آنکه [مردم را] از راه خدا باز داشته‌اید دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد».

۳. التزام به عدالت و نظم عادلانه بین المللی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا
اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده/۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است»

۴- احترام به حقوق بی‌طرفان در جنگ و مشخصات بین المللی:

﴿إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَّامُونَ إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا﴾ (نساء/۹۰)

«مگر کسانی که با گروهی که میان شما و میان آنان پیمانی است پیوند داشته باشند یا نزد شما بیایند در حالی که سینه آنان از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود به تنگ آمده باشد و اگر خدا می‌خواست قطعاً آنان را بر شما چیره می‌کرد و حتماً با شما می‌جنگیدند پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما ن‌جنگیدند و با شما طرح صلح افکندند [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است».

۵. اجتناب از توسعه طلبی و تجاوز در جهان و مبارزه با عاملان استکبار و کمک به

ملت‌هایی که برای رهایی خویش با استکبار مبارزه می‌کنند:

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾
(قصص/۸۳)

«آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است»

۶. صلح و دوستی و قبول پیمان‌های صلح‌جویانه:

«وَأَنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۱۰)

(و اگر به صلح گراییدند تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست).

۷. رفتار دوستانه و مسالمت‌آمیز با ملت‌هایی که در اندیشه دشمنی نیستند:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸)

([اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد).

۸. رفتار متقابل و منصفانه با دولت‌هایی که در روابط خود امانت و عدالت و انصاف را رعایت کنند:

«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (رحمان: ۳۰)

(مگر پاداش احسان جز احسان است).

۹. مقابله و معامله به مثل با متجاوزان و تجاوز نکردن بیش از حد معقول:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۳۰)

(این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است و [هتک] حرمتها قصاص دارد پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوایپیشگان است)

«وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ * إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِعَدْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (شوری: ۴۰-۴۱)

(و جزای بدی مانند آن بدی است پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند پاداش او بر [عهد] خداست به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد* و هر که پس از ستم [دیدن] خود یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی]

بر ایشان نیست* راه [نکوهش] تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در [روی] زمین به ناحق سر برمی‌دارند آنان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت).

بنا بر این آیات می‌توان اصول اصلی سیاست خارجی حکومت اسلامی را چنین برشمرد: اصل توحید، اصل نفی سبیل و عزت و سیادت اسلام، اصل حل اختلافات به روش مسالمت آمیز، اصل رعایت متقابل و نزاکت بین المللی، اصل وفای به عهد و احترام به قراردادهای و پیمان‌ها.

اصل توحید

یکی از منابع مهم سیاست خارجی دولت اسلامی توحید است. این اصل محور اصلی دیپلماسی در اسلام را تشکیل می‌دهد؛ اعتقاد به یگانگی خدا زیربنا و اساس همه ادیان آسمانی به خصوص اسلام است. از نظر قرآن کریم دعوت به خدای یگانه پایه عقاید، احکام و اخلاق است و تنها گناهی که قابل آمرزش نیست شرک به خداست:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ نساء: ۸۰

پیامبر اسلام نیز دعوت خویش را از توحید شروع کرد و هدف اصلی سیاست خارجی وی بود. دعوت یا دعوت سری و همگانی وی بر توحید استوار بود (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۸).

در نامه‌هایی که پیامبر اسلام به پادشاهان زمان نوشته به این آیه اشاره کرده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾

«بگو ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنید که جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را شریک او

نکنیم» (آل عمران/۶۴)

اصل نفی سبیل

اصل نفی سبیل بدین معناست که خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته و هرگونه راه تسلط کافران بر مسلمانان را

بسته است پس کافر در هیچ زمینه‌ای شرعاً نمی‌تواند بر مسلمانان مسلط شود (شکوری، ۱۳۷۷: ۳۲۶).

قاعده نفی سبیل در روابط و سیاست خارجی حکومت اسلامی نقش بسزایی دارد؛ در صورتی که قراردادی بین مسلمانان و کفار بسته شده باشد همین که کشف شود قرارداد به زیان جامعه اسلامی است قاعده نفی سبیل خود به خود آن قرارداد را باطل می‌کند و هرچند که طبق قاعده وجوب وفای به عهد فسخ آن جایز نباشد اما به دلیل کشف ضرر قاعده نفی سبیل وارد میدان می‌شود و آن را خنثی کرده و حاکمیت خود را اعمال می‌نماید (همان: ۳۲۶).

قرآن در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء/۱۴۱)

«خداوند سبیل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است»

ابن عربی مفسر قرآن سه نتیجه از این آیه مبارک می‌گیرد؛ اول اینکه کافران هرگز توان محو و انهدام دولت مؤمنان و امحای اسلام را ندارند. دوم خداوند زمینه سلطه کافران بر مؤمنان را فراهم نکرده است، این خود مسلمانان اند که با فاصله گرفتن از تعالیم اسلامی زمینه چنین امری را فراهم می‌کند. و سوم خداوند سبیل شرعی برای کفار بر مؤمنان قرار نداده است (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ۵۵۴).

بر اساس اصل نفی سبیل راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. از نظر سیاسی نپذیرفتن تحت الحمایتی نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأکید می‌شود و از نظر نظامی تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی، هم‌چنین عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استشاره و مشورت در حوزه‌های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی مورد توجه است. بنابراین قاعده نفی سبیل دو جنبه ایجابی و سلبی دارد جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از بین برداشتن زمینه‌های وابستگی است (سجادی، ۱۳۸۱: ۱۷۶).

بدین ترتیب اصل نفی سبیل در مباحث سیاسی به خصوص در روابط خارجی دولت اسلامی با بیگانگان تأکید می‌شود. قرآن کریم در آیات متعدد مسلمانان را از اینکه کافران اولیای آنان باشد بر حذر می‌دارد. از نظر قرآن نباید مسلمانان در ابراز عواطف، دوستی با بیگانگان به راه افراط قدم نهند و به پایه‌ای برسند که حاضر شوند کارهای خود را به آنان بسپارند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّ تَجْعَلُونَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
سُلْطَانًا مُّبِينًا﴾ (نساء/۱۴۴)

«افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هرکس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد و پیوند او از خدا گسسته می‌شود. مگر اینکه از آن‌ها بپرهیزد و به دلیل هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید خداوند شما را از نافرمانی خود بر حذر می‌دارد و بازگشت شما به سوی خداست.»

اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام دو واژه اسلام و صلح از اهمیت بسیار برخوردار است، و بی‌دلیل نیست که آموزه‌های قرآن سیره پیامبر اکرم (ص) در رسالت و سیاست خویش اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را یکی از اصول مهم حاکم بین پیروان خود و مناسبات آن‌ها با سایر ملت‌ها مطرح کرده است. در قرآن کریم آمده است:

﴿يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ﴾ (انفال/۶)

«مردم نادان در حکم حق با آنکه حق اشکار و روشن گردید با تو جدل و نزاع خواهد کرد که گویی به چشم می‌نگرند که آنها را به جانب مرگ می‌کشند»

و در جایی دیگر قرآن در سوره بقره آیه ۲۸ می‌فرماید:

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾

«چگونه کافر می‌شوید به خدا و حال آنکه مرده بودید و زنده کرد شما را و دیگر باز بمیراند و باز زنده کند و عاقبت سوی او باز خواهید گشت»

راجع به دیدگاه اسلام نسبت به جنگ یا صلح باید قبل از آن دو نظر سیاسی در مورد جنگ یا صلح را بررسی کرد. نظر اول هابز و ماکیاول که انسان را فطرتاً خودخواه و استعمارگر می‌دانند و معتقدند که بشر جز بر اساس ضرورت زیر بار قانون نمی‌رود؛ جنگجویی جزء ذات و طبیعت بشر است. نظر دوم لاک و روسو معتقدند بشر ذاتاً موجودی صلح دوست است که با همکاری و تعاون به منافع خود می‌رسد. انسان دارای حسن باطنی صلح دوستی است (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۳: ۹۹).

در نظر قرآن زندگی اجتماعی مشتمل بر جنگ و صلح است اما صلح و هم‌زیستی غایت حرکت اجتماع و هدفی که انبیای الهی برای استقرار آن آمده‌اند عنوان می‌شود؛ زیرا مهم‌ترین هدف از «ارسال رسل» استقرار عدالت اجتماعی است و این به معنای صلح و امنیت اجتماعی است زیرا جنگ و تخاصم وضعیتی ناشی از تعدی، برتری جویی و تمامیت خواهی انسان است و اگر این غرایز تعدیل شده و تحت کنترل در آید جامعه با صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز قرین خواهد شد و عدالت اجتماعی محقق می‌گردد (سجادی، ۱۳۸۱: ۸۱).

رعایت احترام متقابل و نزاکت بین المللی

شعار صلح طلبی اسلام را می‌توان در عباراتی مانند «اصلاح بین الناس» در سوره نساء آیه ۱۱۴ و «الصلح خیر» در آیه ۱۲۸ همین سوره جست. برگزیدن نام اسلام برای این آیین و حرام گردانیدن جنگ در ماه‌های حرام در سرزمین مکه و محل امن قراردادان کعبه این موضوع را تأکید می‌کند. قرآن مؤمنان را به ایجاد روابط مسالمت‌آمیز با دیگران و ایجاد صلح همگانی و عمومی دستور داده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی به صلح و هم‌زیستی در آیید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است» (بقره / ۲۰۸).

خداوند در سوره انفال در ادامه آیات جنگ در آیات ۶۱-۶۲ صلح را اینگونه تبیین

می‌کند:

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِتَضَرُّعِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ﴾

«و اگر تمایل به صلح نشان دهند تو نیز از در صلح در آی و بر خدا تکیه کن که او شنوا و داناست و اگر بخواهند تو را فریب دهند خدا برای تو کافی است او همان کسی است که تو را به یاری خود و مؤمنان تقویت کرد.»

اصل وفای به عهد و احترام به قراردادهای و پیمانها

از نظر اسلام التزام به پیمان و وفای به عهد سیاست راهبردی و بلند مدت حکومت اسلامی در روابط بین الملل است و تحت هیچ شرایطی قابل نقض نیست. از آیات قرآن چنین بر می آید که اگر مسلمانان با غیرمسلمانان معاهده‌ای را امضا کردند جز در صورت تخلف طرف مقابل، نقض آن به هیچ وجه جایز نیست و وفای آن به حکم شرع و عقل لازم است (منتظری، ۱۳۷۴: ۲۵۸).

بر اساس اصل وفای به عهد زمینه توافق و زندگی مسالمت آمیز در حکومت اسلامی فراهم می‌شود، و انسان‌ها با آزادی و صلح و امنیت زندگی می‌کنند. و اصول و قواعد حاکم بر زندگی مشترک بر اساس توافق و اراده مشترک تنظیم می‌گردد (زنجانی، ۱۳۷۹: ۴۷۶).

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ﴾

«وقتی با خدا عهد کردید به عهدتان وفا کنید» (نحل/ ۹۱)

و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾ (بقره / ۲۷)

«آن‌ها که عهد خود را می‌شکنند پس از پیمان بستن با آن‌ها»

قرآن در برابر وفاداری به پیمان‌ها، وعده وفای به عهد از جانب خدا می‌دهد و می‌فرماید:

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ﴾ (بقره / ۴۰)

«بر عهدی که با من بسته اید وفادار باشید تا من به عهدتان وفا کنم».

با توجه به مطالب گذشته مهم‌ترین اهداف معاهدات اسلامی حکومت اسلامی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. از بین بردن جنگ. ۲. زدودن آثار جنگ بعد از جنگ مانند معاهدات مربوط به اسراء حفظ حقوق و مبادله آن‌ها. ۳. جلوگیری از تجاوز دشمن مانند معاهدات عدم تجاوز. ۴. رابطه با کشورهای دیگر. ۵. تنظیم روابط مشترک تجاری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. ۶. تنظیم امور مربوط به اماکن مذهبی و عبادی و مقدس غیرمسلمان و مسلمانان در سرزمین یکدیگر. ۷. حمایت از مظلومان و استقرار عدالت در سطح بین‌المللی (موسوی، ۱۳۸۴: ۶۱).

به طور کلی اهداف سیاست خارجی در اسلام از دیدگاه قرآن عبارت‌اند از:

۱. اقامه حکومت توحیدی واحد در جهان
۲. اقامه قسط و عدالت
۳. سعادت و کمال بشری
۴. ارائه ارزش‌های دینی و گسترش آن‌ها
۵. ایجاد امنیت و استقرار صلح جهانی
۶. ظلم ستیزی (همان: ۳۰).

نتیجه بحث

در مقاله حاضر اهداف و ساز و کارهای سیاست خارجی در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. مبنای تعیین و تحلیل آن، آموزه‌های قرآن کریم به عنوان کتاب جاویدان هدایت بشری است و بر این اساس اهداف سیاست خارجی اسلام، را می‌توان تشکیل نظام توحیدی در جهان، اقامه قسط و عدالت، ابلاغ دین و رساندن آیات الهی، نفی سلطه و دفاع از مظلوم و ایجاد امنیت و صلح و ... بر شمرد. این نتیجه مبتنی بر یک سلسله بنیان‌ها و زیربناهای نظری برگرفته از آیات شریفه در قرآن کریم نظیر توحید، عدالت، نفی سبیل، تولی و تبری، وفای به عهد و ... طراحی و ترسیم شده است.

جامعیت قرآن کریم از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن است. قرآن کریم به دستورالعمل‌های مختلف حکومت و حکومت‌مداری را آورده است که نشان از گستردگی و عمق معارف آن است. سیاست خارجی و ارتباط حکومت اسلامی با سایر جوامع با هدف تشکیل حکومت واحد اسلامی در جهان انجام می‌پذیرد. تشکیل حکومت واحد اسلامی همراه با عدالت همگانی جهت نیل به سعادت بشری آرمان جامعه اسلامی است که در راستای آن اصولی در سیاست خارجی باید رعایت شود. پای‌بندی به تعهدات و قراردادهای بین‌المللی و التزام به نظم عادلانه بین‌المللی، تحدید جنگ و احترام به حقوق بی‌طرفان در جنگ‌های بین‌المللی و گسترش صلح و امنیت بین‌المللی، حل و فصل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز؛ خطوط کلی سیاست خارجی حکومت اسلامی را بر اساس آیات متعدد استخراج شده در این پژوهش تشکیل می‌دهد.

در پایان لازم به ذکر است که ادعا نمی‌شود که همه آیات مربوط به سیاست خارجی و دیپلماسی حکومت در این پژوهش به دست آمده است تنها آیاتی که به طور مستقیم به این موضوع مرتبط بوده است بررسی شده، و بسیاری از آیات دیگر وجود دارد که از ذهن قاصر پژوهشگر پنهان مانده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

صحیفه نور.

- آشوری، داریوش. ۱۳۵۴ش، فرهنگ سیاسی، چاپ هشتم، تهران: نشر مروارید.
- ابراهیمی، محمد. ۱۳۷۷ش، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، تهران: سمت.
- ابن عربی. ۱۴۲۱ق، احکام القرآن، ج ۱، بیروت: دار الکتب.
- بخشایش اردستانی، احمد. ۱۳۸۳ش، سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران: آوای نور.
- جلیلی، سعید. ۱۳۷۴ش، سیاست خارجی پیامبر اسلام(ص)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲ش، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، تهران: سمت.
- عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۷۹ش، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- منتظری، حسینعلی. ۱۴۰۲ق، فقه الدولة الاسلامیة، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسوی، سید محمد. ۱۳۸۴ش، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران: دانشگاه پیام نور.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۸۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

- سجادی، عبدالقیوم. ۱۳۸۱ش، «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام»، مجله علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۱۹، ص ۹۶.
- سجادی، عبدالقیوم. ۱۳۸۱ش، «اصول سیاست خارجی در قرآن»، مجله علوم سیاسی، ش ۱۵، صص ۸۱ و ۱۷۶.
- سجادی، عبدالقیوم. ۱۳۷۹ش، «سیاست خارجی از دیدگاه امام علی(ع)»، مجله علوم سیاسی، ش ۱۱، ص ۹۶.
- شیرخانی، علی. بی تا، «دعوت و جنگ و صلح در قرآن»، مجله علوم سیاسی، س ۴، ش ۱۵، صص ۱۸۵ و ۱۹۱.

مولانا، حمید. بی تا، «امام علی و ابعاد عدالت اجتماعی»، کتاب نقد، سال پنجم، ش ۱۸، صص ۱۷۰ و ۱۹۶.